

## جامعه‌شناسی تاریخی: مفاهیم، تئوری‌ها و روشها

یونس اکبری<sup>۱</sup>

شهرام اردشیریان<sup>۲</sup>

### چکیده

جامعه‌شناسی تاریخی با ایجاد پیوند بین دو رشته تاریخ و جامعه‌شناسی، رویکرد نوینی به مطالعه پدیده‌ها و رویدادها و مسائل اجتماعی پیش روی محققان تاریخ و جامعه‌شناسی قرار داده است. تغییر و دگرگونی یکی از موضوعات محوری در مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسی بوده است و جامعه‌شناسی تاریخی علم مطالعه این موضوع محوری می‌باشد. در جامعه‌شناسی تاریخی، مطالعه گذشته برای پی‌بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و چگونه تغییر می‌یابند. مقاله حاضر سعی بر آن دارد که با عطف توجه به رابطه شناخت اجتماعی و تاریخ تصویری روشن از مفاهیم، نظریات و روشهای به کار گرفته شده در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی ارائه کند.

**کلید واژه‌ها:** تاریخ، جامعه‌شناسی، تغییر، جامعه‌شناسی تاریخی

---

<sup>۱</sup>. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی u\_akbari1987@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی

shahramardeshiri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۸

## مقدمه

تحقیقات جامعه‌شناختی در زمینه موضوعات تاریخی می‌تواند دربارهٔ زمانها و مکانها و تغییر و تحولات جوامع انسانی در گذشته صورت گیرد، همانگونه که می‌تواند فرایندهای تغییر و تحول را در طی زمانِ منتهی به زمان حاضر مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. این شاخه از تحقیقات علمی که با عنوان «جامعه‌شناسی تاریخی» شناخته می‌شود، عمر به نسبت کوتاهی دارد، اما به عنوان بخشی از مطالعات بین رشته‌ای<sup>۱</sup> میان محققان جامعه‌شناسی، با گرایش و رویکرد تاریخی و محققان تاریخ، با گرایش و رویکرد جامعه‌شناختی مشاهده می‌شود. اهمیت این رشته از مطالعات به ویژه در تحقیقات تاریخی بسیار اساسی است، خاصه به علت آنکه رویکردهای نوین تاریخ‌نگاری از نوشته‌های صرفاً سیاسی و جنگ و گریزها و به عبارت دیگر، زندگی سلاطین و پادشاهان و الیت حاکم فاصله گرفته و لایه‌های و زوایای دیگر جامعه را نیز مورد توجه و بررسی قرار داده است (جعفری، ۱۳۹۱: ۲).

اصطلاح «جامعه‌شناسی تاریخی» کمتر از پنجاه سال است که در بین مطالعات بین رشته‌ای رایج شده است و به رغم این عمر کوتاه، اینک از حوزه‌ای محدود به رشته‌ی مطالعاتی گسترده‌ای تبدیل شده و چنان بسط و گسترش یافته است که به تمام بخش‌های کار جامعه‌شناختی و تاریخ نفوذ کرده است (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۴۹۱). با وجود این روند رو به

---

<sup>۱</sup>. Interdisciplinary studies



گسترش، هم‌چنان دربارهٔ تعریف روش و هویت مستقل آن میان صاحب- نظران اختلاف وجود دارد. در یک تعریف گفته شده است: «جامعه‌شناسی تاریخی مطالعهٔ گذشته برای پی‌بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و چگونه تغییر می‌یابند» (اسمیت، ۱۳۸۶: ۱۶). همچنین گفته شده اگر جامعه‌شناسان در مطالعات تخصصی خود علاوه بر تکنیک‌های کمی و یا کار میدانی با طرح پرسشهای تاریخی و با استفاده از مدرک و شواهد و شیوه‌های استدلال تاریخی به بررسی پدیده‌های اجتماعی بپردازند، روشی را برگزیده‌اند که به عنوان جامعه‌شناسی تاریخی شناخته می‌شود (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۴۹۲). این رویکرد پژوهشی «میان رشته‌ای» برای محققان هر دو رشته تاریخ و جامعه‌شناسی و خصوصاً مورخان متذکر این نکته است که پژوهش‌های نوین تاریخی، به ویژه آن دسته از پژوهش‌ها که بر الگوی‌های تئوریک برگرفته از مطالعات جامعه‌شناسان مبتنی هستند، در زمینه‌ی ارائه تصویری کلیت‌بخش از ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در گذشته، از دید مفاهیم موجود در الگوی مطالعاتی، دستاوردهای مشخصی دارند، که اینگونه پژوهش‌ها را از تحقیقات صرفاً تاریخ‌نگارانه که معمولاً مورخان با تأکید بر سنت‌های تاریخ‌نگاری خویش انجام می‌دهند متمایز می‌کند. این رشته از تحقیقات زمانی که از ماهیت مطالعات بین رشته‌ای در روند پژوهش به‌رمند شوند، دستاوردهای خاص و مطمئنی در مباحث تئوریک و مسئله‌یابی‌های جدید، در فرایند تحقیق و پژوهش خواهند داشت. موضوع این رویکرد نوین پژوهشی «جامعه‌شناسی



تاریخی» "تغییر"<sup>۱</sup> است. تغییر و دگرگونی همیشه یکی از موضوعات محوری در مطالعات تاریخی بوده است. مکاتب مختلف در فلسفه‌ی تاریخ همواره درصدد این بوده‌اند که سرشت حیات تاریخی بشر و معنا و جهت آن را دریابند. جامعه‌شناسی نیز از ابتدای شکل‌گیری خود تا به امروز پیوسته در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌هایی بوده که چگونگی و چرایی تغییر در وضعیت اجتماعی جوامع بشری را مدنظر داشته است. بنیانگذاران جامعه‌شناسی مدرن همگی نظریه‌پرازی را با اتکاء به شناختی که در مورد سیر تاریخی حیات جوامع داشته‌اند آغاز کرده‌اند. آگوست کنت با طرح سه مرحله‌ای بودن تاریخ بشر، مارکس با طرح مراحل تاریخی پنج‌گانه‌ای که به تبع تغییر در ابزار تولید ایجاد می‌شود و وبر با طرح الگویی که امکان تبیین چگونگی گذار به دوران مدرن را در جوامع غربی به وجود آورده است، هر یک چشم‌انداز خاصی را برای پاسخ‌گویی به این سوال فوق‌عرضه کرده‌اند. این نوشتار درصدد آن است که نسبت میان تاریخ و جامعه و به تبع آن نسبت میان تاریخ و جامعه‌شناسی را نشان دهد. هدف از نشان دادن این رابطه و نسبت میان تاریخ و جامعه‌شناسی، تعریف و توضیح چیستی و ماهیت جامعه‌شناسی تاریخی می‌باشد که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است.

<sup>۱</sup>.change

## جامعه و تاریخ

در نگاه جامعه‌شناسان کلاسیک، تاریخ به دید پیش‌درآمد تئوریک در جهت توضیح و تبیین چگونگی سیر تحول و تغییرات اجتماعی دیده می‌شد. در این رویکرد، که متأثر از میراث تفکر مدرن آغازین، و به ویژه وضع طبیعی هابز<sup>۱</sup>، تنازع بقای داروین<sup>۲</sup> و مراحل تغییر تاریخی کنت<sup>۳</sup> بود، تاریخ، سیر در گذشته بود و جامعه در هر زمانی یک وضعیت پسینی یعنی، پس از تاریخی که گذشته، انگاشته می‌شد تا آنجا که مارکس بشر پیش از انقلاب سوسیالیستی را "پیشاتاریخ"<sup>۴</sup> نامید. بدین معنا، هر وضع موجودی منقطع از زمان پیشین و چونان وضعیت متفاوتی دیده می‌شد که سازندگان آن فارغ از تعیینات تاریخی‌اند. ولی، در چند دهه‌ی گذشته، سنت فکری متفاوتی در مورد رابطه تاریخ با جامعه شکل گرفته است، سنتی که به جای پسینی نگرستن به جامعه، یعنی به جای اینکه جامعه را در هر دوره‌ای از حیات خود «پس از» تاریخ قبلی آن بداند، به تاریخ به صورت پیشینی نگریسته‌اند. یعنی هر «وضع موجودی» امتداد تاریخ است نه اینکه که تاریخ «گذشته» آن باشد. این بدان معناست که تاریخ «پس از واقعه<sup>۵</sup>» را و نه «پیش از» آن را می‌سازد و از این رو، تاریخ و جامعه به هم وابسته هستند (منوچهری، ۱۳۸۹: ۱۶۱).



1. Hobbes  
2. Darwin  
3. Comte  
4. Prehistoric  
5. After the event

## تاریخ و جامعه‌شناسی

یکی از پیشگامان سنت فکری که بین جامعه و تاریخ ارتباط معرفت-شناسانه برقرار می‌کند ابن خلدون است که در علم «عمران» به «دانش زندگی»، که همان دانش پویایی و سیالیت زندگی است، می‌پردازد. در این رویکرد، واقعیات اجتماعی نمودهای تاریخ و نه امتداد آن، می‌باشند. این رویکرد فکری در قرن نوزده در آلمان در «فلسفه زندگی»<sup>۱</sup> شکل و رونق گرفت و اساس زندگی را در دانش‌های فرهنگی - انسانی فراهم آورد. دیلتای<sup>۲</sup> نمودهای حیات انسانی - اجتماعی را در آثاری چون ادبیات، فلسفه، هنر، حقوق و ... به عنوان عینیات و یا به عبارتی تجسم عینی حیات اجتماعی مطالعه کرد. دیلتای حیات انسانی را موضوع دانش نوین انسانی دانست و تاریخ را محور شناخت اجتماعی قرار داد. پس از وی، ماکس وبر<sup>۳</sup> جامعه‌شناسی تفهیمی<sup>۴</sup> را بنیان نهاد و موضوع آن را «کنش معنادار»<sup>۵</sup> اجتماعی قرار داد. این رویکرد بر سازنده اصلی جامعه‌شناسی هرمنوتیکی<sup>۶</sup> وبر است. کانون نظریه جامعه‌شناسی وبر این است که آن چه جامعه امروزین غرب را ساخته فرایند غلبه عقلانیت ابزاری<sup>۷</sup> بر زندگی است نه طی مراحل در



1. Philosophy of Life

2. Dilthey

3. Max Weber

4. understanding sociology

5. Meaningful action

6. Hermeneutic sociology

7. Instrumental rationality



تاریخ تا به امروز. بنابراین، برخلاف جامعه‌شناسی پوزیتیویستی<sup>۱</sup> که «تعمیم»<sup>۲</sup> در آن نقش قابل توجه ایفا می‌کند، در جامعه‌شناسی تفسیری - هرمنوتیکی تأکید بر «فهم تاریخی»<sup>۳</sup> است. در تداوم این سنت فکری، هایدگر<sup>۴</sup> با کشف «زمانی بودن وجود»، پس از وی گادامر<sup>۵</sup> با «تاریخمندی فهم»<sup>۶</sup> و سپس فوکو<sup>۷</sup> با «تاریخ اکنون»<sup>۸</sup> چرخش تاریخی در اندیشه اجتماعی را تمهید کردند. هایدگر پیوند بنیادین وجود با تاریخ را کشف کرد. وی با اصل فلسفی «زمانمندی وجود» تاریخ را در کانون هستی - شناسی<sup>۹</sup> یافت. به عقیده هایدگر، آدمی در بنیاد وجودی‌اش زمانی است. زمانی بودن توسط خود آدم فهمیده می‌شود. چون آدمی موجود زمانی است، یعنی هیچ‌گاه تا زمان مرگ خود تمامی «خویشتن خود» نبوده است، همیشه تا پیش از مرگ می‌تواند غیر از آنچه بوده و هست باشد. آدمی در تاریخ قرار دارد، زیرا بنیاد وجودی‌اش زمانی است. در فهمیدن آدمی خود را بر اساس آنچه برای او با توجه به وضعیت موجودش ممکن است، در آینده فرافکنی می‌کند. تاریخ و نظریه تاریخ، آدمی را از ممکن‌ها آگاه می‌سازد. و چون همیشه یک عمل ذی‌نفع است. گذشته را نمی‌توان همچو شیء در گذشته دانست که از آن چه ما اکنون و آینده هستیم

1 . Sociological positivism

2 . Generalization

3 . Historical understanding

4 . Heidegger

5 . Gadamer

6 . Historicity of understanding

7 . Foucault

8 . Present history

9 . Ontology



یکسره جداست. زمانمندی درونی فهم در دیدن همواره جهان بر حسب گذشته و اکنون و آینده، آن چیزی است که «تاریخ‌مندی فهم»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود (پالمر، ۱۳۷۷: ۱۳۷-۱۵۴).

گادامر، در هرمنوتیک فلسفی<sup>۲</sup> خود فلسفه و از جمله فلسفه اجتماعی را با تاریخ آمیخته یافت. هرمنوتیک فلسفی گادامر تأثیر پیش‌ساخت‌ها<sup>۳</sup> در فهم انسانی را آشکار می‌سازد و مشکل اساسی دانش علمی مدرن را «غفلت از عناصر این پیش‌ساخت‌ها می‌داند؛ غلفتی که باعث کژفهمی انسان مدرن از خود و از جهانی که به دست خویش می‌سازد شده است». گادامر در اشاره به غفلت معرفت مدرن از وجود این پیش‌ساخت می‌گوید: «در مقابل کل تمدن‌مان که مبتنی بر علم جدید است، ما باید پیوسته بپرسیم آیا چیزی حذف نشده است؟ آیا این که پیش‌فرض‌های دانستن و ساختن، نیمی در تاریکی‌اند باعث این نمی‌شود که دست‌هایی که این معرفت را به کار می‌برند ویرانگر باشند؟». واقعیت این است که «ما همواره با جهانی روبه رویم که از پیش تأویل شده و در چارچوب مناسبات بنیادین سازمان یافته است» (همان، ۲۱۴-۱۷۹). گادامر توضیح می‌دهد که پیش‌فهم‌ها همانا «پیش‌جهت‌گیری‌های گشوده بودن ما به جهان‌اند» تجربه انسان در دل چنین شرایطی حاصل می‌گردد. حتی می‌توان گفت، چندان که «پیش‌فهم‌های» ما بودن‌مان را می‌سازند، داوری‌هایمان

<sup>1</sup>. Historicity of understanding

<sup>2</sup>. Philosophical Hermeneutics

<sup>3</sup>. Pre construction

<sup>4</sup>. Pre understanding





مؤثر نیستند. بنابراین، حصول فهم درست خویشتن مستلزم انتقال عناصر ناخودآگاه مؤثر در کسب اولیه معرفت به سطح آگاهی است. این عناصر در زبان، تاریخ و موقعیت ما نهفته‌اند (همان).

پیوند تاریخ با زندگی اجتماعی در «تاریخ نو»<sup>۱</sup> فوکو به گونه‌ای متفاوت از گادامر اما همچون وی با آغاز کردن از هرمنوتیک هایدگر امتداد یافت. تاریخ و جامعه‌شناسی در «تاریخ اکنون» فوکو به وحدت می‌رسند. وی تبارشناسی<sup>۲</sup> را همانا هستی‌شناسی تاریخی و چونان «نقد اکنون» می‌بیند. تاریخ از آن رو که بر سازنده جامعه «اکنون» بوده است در کانون تحلیل اکنون قرار گرفته است، پس، «تبارشناسی یعنی من تحلیل را از پرسش از اکنون آغاز می‌کنم» (eldern, 2001: ۶، ۴۹، ۱۱۳).

### تاریخ اجتماعی<sup>۳</sup>

در سطور پیشین به بررسی همگرایی تاریخ و جامعه و تاریخ و جامعه‌شناسی پرداخته شد و به این نکته اشاره شد که هدف از پیوند میان تاریخ و جامعه‌شناسی، جایگزینی تاریخ سنتی با تاریخ نویسی نو می‌باشد، تاریخی که تمامی فعالیت‌های انسانها را در بر گرفته و کمتر به نقل حوادث و وقایع می‌پرداخت و بیشتر متوجه تحلیل ساختارهاست. حال آنکه تاریخ اجتماعی نیز در این نوع رویکرد باوری شکل و قوام گرفته

<sup>1</sup>. New History  
<sup>2</sup>. Genealogy  
<sup>3</sup>. Social History



است، اصطلاحی که مورد توجه وافر مورخان مکتب آنال<sup>۱</sup> قرار گرفت (برگ، ۱۳۸۱: ۴۳۰).

بر اساس بازتابگری،<sup>۲</sup> اندیشه تاریخ اجتماعی با بنیانگذاری سالنامه اجتماعی آنال در سال ۱۹۲۹ میلادی توسط لوسین فور<sup>۳</sup> و مارک بلوخ<sup>۴</sup> در فرانسه همراه است که در واقع اعتراضی به سیطره تاریخنگاری سیاسی بر تاریخنگاری اروپا بود. جنگ جهانی دوم در مکتب آنال وقفه‌ای ایجاد نمود و تاریخ اجتماعی در واقع از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد به عنوان یک نحله مستقل فکری از تاریخ نگاری مطرح گردید (بیات و همکاران، ۱۳۸۲: ۹).

از نکات ویژه‌ی تاریخ اجتماعی همانا بررسی تک تک جوامع در گذشته می‌باشد و در طرح مطالعاتی محققان این حوزه مطالعاتی تاریخی این ملاحظات قابل ذکر می‌باشند: تاریخ اجتماعی، تاریخ گروه‌ها<sup>۵</sup> و طبقات فرودست جامعه است و «بود و باش» آنها، جنبش‌های اجتماعی و نقششان در فرایند تکوینی جامعه، در این حوزه مرکز ثقل تاریخ بیشتر پرداختن به اعتراضات گروه‌های فرودست جامعه است و این اعتراضات نشانگر ساختارهای اجتماعی و سیاسی جوامع در گذشته می‌باشد. دومین شناسه، فعالیت اجتماعی انسان‌هاست و در اینجا گروه‌های فرودست مطرح نمی‌باشند بلکه حوزه وسیع‌تری از تمامی مردم که صرفاً زندگی آنها کانون

<sup>۱</sup> Annales school

<sup>۲</sup> Reflective

<sup>۳</sup> Lucien Febvre

<sup>۴</sup> Marc Bloch

<sup>۵</sup> history Groups



توجه است. در این مرحله کمتر سایه‌ای از سیاست می‌باشد و به همین دلیل است که از تاریخ سیاسی فاصله می‌گیرد. سومین شناسه‌ای که در تاریخ اجتماعی قابل طرح است، تاریخ اقتصادی می‌باشد که مورخان تاریخ اجتماعی از این طریق سیاق معیشت مردمان را بررسی می‌کنند- و نه لزوماً وجوه تولیدی که در جامعه وجود دارد- اینها حوزه‌های قابل شناسایی در تاریخ اجتماعی هستند. بنابراین از مباحث عمده تاریخ‌نگاری اجتماعی، تاریخ‌نگاری از پایین می‌باشد و از دیگر مباحث آن مکتب تاریخ‌نگاری سوبالترن<sup>۱</sup> می‌باشد (پناهی خیاوی، ۱۳۸۵: ۱۰).

بدین ترتیب، برخی در تبیین تاریخ اجتماعی به منشاء می‌پردازند و برخی به طبقات فرودست جامعه و به «بود و باش» آنها نظر دارند و اینها حوزه‌های هستند که برای رسیدن به آن باید یکسری ابزار و تکنیک‌هایی در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار گیرد و نکته قابل ملاحظه آنست که محققان این روش‌ها را نه در متدهای تاریخی بلکه از علوم نظری منجمله جامعه‌شناسی در می‌یابند (بیات و همکاران، ۱۳۸۲: ۹).

## تاریخ جامعه‌شناسی<sup>۲</sup>

از دیگر مفاهیم مربوط به ارتباط بین تاریخ و جامعه‌شناسی مفهوم «تاریخ جامعه‌شناسی» می‌باشد. امر مسلم این است که از حیث کیفیت موضوع و روش بین «تاریخ اجتماعی» با حوزه‌های چون «تاریخ جامعه‌شناسی» و

<sup>۱</sup>. Svbaltren

<sup>۲</sup>. history of Sociology



«جامعه‌شناسی تاریخی» با وجود مشترکات نسبی، تفاوت‌هایی وجود دارد. اما در مورد رابطه و معنای تاریخ جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی باید گفت که به مانند واژه جامعه‌شناسی، هر دو واژه و به تبع آن در دو حوزه مطالعاتی، در سنت علمی مربوط به مطالعات تاریخی و اجتماعی مغرب زمین ریشه دارند. علی‌رغم این که در ادبیات علمی مغرب زمین، حوزه مطالعاتی مستقل و تعریف‌شده‌ای موسوم به تاریخ جامعه‌شناسی هنوز چندان جایگاه تعریف شده‌ای ندارد، اما غالباً منظور و اراده‌ی پژوهشگران از تاریخ جامعه‌شناسی، بیشتر آن نوع پژوهش است که با بینش و روش‌های مرسوم در انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی تفسیری صورت می‌گیرد.

در واقع تاریخ جامعه‌شناسی بیشتر در جایگاه استفاده از روش‌های مرسوم در تاریخ اجتماعی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی در مطالعه پدیده‌های تاریخی قرار می‌گیرد. یعنی در این حوزه‌ی مطالعاتی تلاش می‌شود با استفاده از نظریات انسان‌شناختی و جامعه‌شناسی و روش‌های مرسوم در تاریخ اجتماعی، به فهم و تحلیل پدیده‌های تاریخی بپردازد (صدیقی، ۱۳۸۹: ۳). البته روسک برخلاف تعریف فوق بر این اعتقاد است که تاریخ جامعه‌شناسی بطور دقیق شعبه‌ی خاصی از مطالعات جامعه‌شناسی نیست بلکه عبارتست از به کار بستن و روش‌های تحقیق تاریخی در موضوع سیر و تطور عقاید جامعه‌شناسی، در واقع تاریخ جامعه‌شناسی نه تنها سعی می‌نماید که تلاش‌های فکری دانشمندان قرون گذشته را در راه



تکامل علم جامعه‌شناسی به کمک روش‌های دقیق تحلیل و مورد بررسی قرار دهد بلکه کوشش دارد که نظریات مربوط به انسان و جامعه را که بیشتر «فلسفه اجتماعی»<sup>۱</sup> خوانده می‌شود، در راستای جامعه‌شناسی علمی تدوین و تحلیل نماید بدین جهت بطور مثال اگرچه افلاطون جامعه‌شناس نبود در تاریخ جامعه‌شناسی دارای مقام مهمی است که آراء فلسفی و نظریات گوناگونی در مورد انسان و جامعه بیان داشته است (روسک، وارن، ۱۳۵۰: ۲۹۵).

به رغم تعاریف متفاوت و متعدد از تاریخ جامعه‌شناسی، حوزه مطالعاتی مرسوم به جامعه‌شناسی تاریخی، که در آن هم از بینش و روش‌های جامعه‌شناختی در مطالعات تاریخی بهره‌گرفته می‌شود، از حیث روش و بینش و موضوعات مطرح در آن، شرایطی به مراتب بهتر و شناخته شده‌تر از تاریخ جامعه‌شناسی در مجامع علمی دارد. لازم به ذکر است که مشکل فقدان مرزهای مشخص و تعریف شده بین بینش و روش و حاکم در تاریخ جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی به عنوان حوزه‌های پژوهشی مستقل به قوت خود باقی است و به همین خاطر با وجود برخی شباهتها و یکسانی در نوع بینش و روش‌های پژوهش در هر کدام، و برای دچار نشدن به ابهام و سوءتفاهم در معنا و رابطه‌ی حوزه‌های مطالعاتی مذکور، در ادامه این جستار به تعریف مفهومی جامعه‌شناسی تاریخی پرداخته

<sup>۱</sup>. Social Philosophy

خواهد شد و بیش و روش حاکم بر این حوزه مطالعاتی واکاوی خواهد گردید.

### جامعه‌شناسی تاریخی<sup>۱</sup>

جامعه‌شناسی تاریخی متأثر از همگرایی «تاریخ» و «جامعه‌شناسی»، پس از تحولات روش‌شناسی مطالعات عصر رنسانس در علوم اجتماعی می‌باشد که در فرایند دوری و نزدیکی آن در طی قرون ۱۸ و ۱۹م. نهایتاً به ضرورت تقابل منطقی همکاری و مقارنه این دو حوزه در قرن ۲۰ میلادی منجر و پس از تجربه‌های فراوان محققان در این قرن به نوعی التقاط-گرایی دو رشته و احیای جامعه‌شناسی تاریخی در دهه ۱۹۸۰ میلادی به عنوان مطالعات بین رشته‌ای انجامید (پناهی خیابوی، ۱۳۸۵: ۱۱). اسمیت در اثرش تحت عنوان برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی بر این باور است که اولین موج جامعه‌شناسی تاریخی در اواسط سده ۱۸ در انگلستان و خصوصاً در فرانسه آغاز شده است. این موج نحست به دنبال ضرورت و نیاز فهم و دریافت تحولات دوران‌ساز اروپا در سده ۱۸ و ۱۹ شکل گرفت؛ مسائلی از قبیل انقلاب انگلستان، صنعتی شده انگلستان، انقلاب فرانسه، ملت‌سازی آلمان، نیاز به تأملات مفهومی و نظری داشتند. اندیشمندانی چون مونتسکیو<sup>۲</sup>، هیوم<sup>۳</sup>، توکویل<sup>۴</sup>، مارکس<sup>۵</sup>، دورکیم<sup>۶</sup> و وبر<sup>۱</sup>



<sup>1</sup>. Historical Sociology

<sup>2</sup>. Montesquieu

<sup>3</sup>. Hume

<sup>4</sup>. Tocqueville

<sup>5</sup>. Marx

<sup>6</sup>. Durkheim



بنیانگذاران موج نخست جامعه‌شناسی تاریخی هستند. به اعتقاد اسمیت موج نخست در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ به دلیل سلطه‌ی توتالیتاریسم و تمامیت‌خواهی راست و چپ تضعیف شد، اما دغدغه‌های مربوط به جامعه‌شناسی تاریخی هیچ‌گاه از بین نرفت.

پس از جنگ جهانی دوم، موج جدیدی از جامعه‌شناسی تاریخی شکل گرفت. دومین موج از نظر اسمیت سه مرحله‌ی مهم و البته پیاپی داشت. او بر این باور است که شکل‌گیری و رونق گرفتن تاریخ اجتماعی به طور گسترده به شکل‌گیری این دومین موج جامعه‌شناسی تاریخی کمک کرده است (فلاح توتکار، ۱۳۸۷: ۸۶). مشخصه مرحله‌ی اول از موج دوم مورد نظر اسمیت، خوشبینی به الگوی دموکراسی لیبرال<sup>۲</sup> می‌باشد که نمونه کارهای انجام شده در این رویکرد شامل دیدگاه‌های پارسونز<sup>۳</sup>، اسملسر<sup>۴</sup>، آیزنشتاد<sup>۵</sup> و لیپست<sup>۶</sup> می‌داند. اسمیت معتقد است که مرحله دوم از موج دوم جامعه‌شناسی تاریخی پس از جنگ جهانی دوم در خلال دهه‌ی ۱۹۶۰ دگرگون شد، به نظر او این دگرگونی که دومین مرحله را رگم زد، محصول ترجمه و ترویج آثار نوبرت الیاس<sup>۷</sup> و مارک بلوخ<sup>۸</sup> در جهان انگلیسی زبان بود. عامل پیوند دهنده از مرحله‌ی دوم به مرحله‌ی سوم آثار اسکاکپول<sup>۹</sup> و

1. Weber  
2. Liberal Democracy  
3. Parsons  
4. Smelser  
5. Yznshtad  
6. Lipset  
7. Nvbrt Elias  
8. Marc Bloch  
9. Skocpol



تیلی<sup>۱</sup> می‌باشند؛ اسکاکپول رویکردی ساختارگرا<sup>۲</sup> به انقلابات داشت و بر این باور بود که انقلابات به وجود می‌آیند نه اینکه ساخته شوند، تیلی نیز به تضاد و کنش جمعی، به ویژه در ارتباط با دو فرایند بزرگ توجه دارد، این دو فرایند گسترش سرمایه‌داری در رشد دولت‌های ملی و نظام دولتها می‌باشند. اسمیت همچنین معتقد است که فروپاشی نظام جهانی دوره‌ی جنگ سرد<sup>۳</sup>، جامعه‌شناسی تاریخی را به طور شگفت‌انگیزی آزاد کرده است. دوتن از جامعه‌شناسان تاریخی این مرحله‌ی سوم از موج دوم، پری اندرسون<sup>۴</sup> و ایمانوئل والرشتاین<sup>۵</sup> هستند (همان ۸۷-۸۸).

اسمیت در اثر خود جامعه‌شناسی تاریخی را اینگونه تعریف می‌کند که «جامعه‌شناسی تاریخی مطالعه گذشته برای پی بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و چگونه تغییر می‌یابند. برخی از جامعه‌شناسان غیر تاریخی هستند، به لحاظ تجربی گذشته را نادیده می‌گیرند و از حیث مفهومی و نظری به بعد زمانی حیات اجتماعی و تاریخمندی ساختار اجتماعی توجهی نمی‌کنند». او بر این باور است که در میان مورخان هم افرادی هستند که که «غیر جامعه‌شناختی» اند و به لحاظ تجربی، فرآیندها و ساختارهایی را که به جوامع تنوع می‌بخشند، نادیده می‌گیرند و از حیث نظری هم به روابط ساختارها با کنش‌ها و وقایع بی‌توجه‌اند. اسمیت معتقد است که بر خلاف این دو دسته، جامعه‌شناسی تاریخی از سوی مورخان و

<sup>1</sup> Tilly

<sup>2</sup> Structuralist

<sup>3</sup> Cold war

<sup>4</sup> Perry Anderson

<sup>5</sup> Immanuel Wallerstein





جامعه‌شناسانی مطرح می‌شود که تأثیر متقابل گذشته و حال، وقایع و فرایندها، کنش و ساختار را مورد توجه و پژوهش قرار می‌دهند (همان، ۸۷). جامعه‌شناسان «جامعه‌شناسی تاریخی» را شعبه‌ای از جامعه‌شناسی می‌دانند که با استفاده از اطلاعات تاریخی به عنوان مبنای تحقیق، می‌توان به تدوین اصول علمی و تعمیم کلی پرداخت. بدین ترتیب به جای آنکه حوادث منحصر به فرد تاریخی یا توالی وقایع را یکایک مورد توجه قرار دهند، سعی می‌نمایند که انگاره‌های وقایع تاریخی را کشف نمایند.

به این ترتیب جامعه‌شناسی تاریخی بر آن است که با توجه به وقایع تاریخی زمان گذشته، اصولی قابل شمول را استخراج نماید (روسک، وارن، ۱۳۵۰: ۲۹۴ و ن.ک: ساروخانی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۱۴، ۲۱۵ و ۲۱۷). بنابراین پایه‌ی دستیافت نهایی پژوهشگران جامعه‌شناسی تاریخی، یافتن قوانین و قواعد حاکم بر تغییرات اجتماعی در گذشته می‌باشد. هدف اصلی این خواهد بود که گزارش‌هایی از روند تغییر جوامع در گذشته و حال ارائه نمایند به این امید که اینگونه تلاش‌ها بتوانند به ساخت یک «مدل» اصلاح شده کلی کمک نموده و رابطه حل نشده بین روایدها و ساخت‌ها، آشکار گردند (برگ، ۱۳۸۱: ۱۶۳). در واقع جامعه‌شناسی تاریخی یک معنا، علم «تغییر اجتماعی»<sup>۱</sup> است. جامعه‌شناسی تاریخی «جستجوی آن ساختارهای پنهانی است که برخی امیدهای انسان را بی‌ثمر می‌گذارند و برخی دیگر را به واقعیت مبدل می‌سازند». از دیگر علایق

<sup>۱</sup>. Social Change



جامعه‌شناسی تاریخی «کشف شرایط و پیامدهای اجتماعی تلاش‌هایی است که برای اعمال ارزش‌هایی چون آزادی، برابری و عدالت یا ممانعت از آنها به کار رفته است». شکست جنبش‌های مردمی یا پیروزی انقلاب‌ها، از موضوع‌هایی است که جامعه‌شناسی تاریخی معاصر بر آنها تأکید و توجه دارد (اسکاکیول، ۱۳۸۸: ۲۴۵). نظریه پردازان این رشته در پی پاسخ به این پرسش‌اند که چه شده که برای نمونه سرمایه‌داری استعمارگرانه توانسته است در چند قرن موفق باشد؟ یا مسائل دیگری مانند برابری و عدالت در طول تاریخ و مسائلی از این دست چگونه توفیق یافته‌اند یا شکست خورده‌اند. در این راستا، جامعه‌شناسی تاریخی، هم به گذشته و به ارتباط آن با اکنون و آینده می‌پردازد. در جامعه‌شناسی تاریخی، امر تاریخی فقط گذشته امر اجتماعی نیست، بلکه سیر تغییر در امر اجتماعی است. در جامعه‌شناسی تاریخی امر اجتماعی، «تغییر» است. نه اینکه تغییر چیزی است هم به امر اجتماعی عارض می‌شود، بلکه «خود امر اجتماعی»، «تغییر اجتماعی» است. تاریخ برای جامعه‌شناسی تاریخی، به قول فیلیپ آبرامز، نه «بطن» است نه «ماده اولیه» است نه «داده» (Abrams, 1982: 3).

### بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی

پژوهش‌های جامعه‌شناسی تاریخی دارای دو بعداند: بعد تاریخی و بعد جامعه‌شناختی. در مطالعه تاریخ تلاش بر این است که اصل و جوهره‌ی پدیده، با بهره‌گیری از منابع و به همان شکل که رخ داده، روایت و بررسی شود. اما قصد مطالعات جامعه‌شناختی این است که تأثیر نیروی جامعه را



در کنش‌های افراد مورد سنجش قرار دهد و سپس وقایع اجتماعی آینده را پیش‌بینی نماید. به عبارتی، جامعه‌شناسی به دنبال یافتن قاعده کلی رفتار انسانهاست تا به کمک آن توانایی پیش‌بینی و کنترل وقایع اجتماعی را بدست آورد (توسلی، ۱۳۷۶: ۵۲). با در نظر گرفتن ماهیت بین رشته‌ای جامعه‌شناسی تاریخی روش مورد استفاده در این رویکرد ترکیبی از روش‌های تاریخی و جامعه‌شناسی خواهد بود. گرچه به لحاظ خصوصیات انحصاری مربوط به ماهیت علوم جامعه‌شناختی و تاریخ، رویکرد متناقضی در خصوص پدیده‌ها بر روند پژوهشی دو رشته حاکم می‌باشد، ولی همان‌گونه که بحث ابتدایی در مورد همگرایی بین تاریخ و جامعه‌شناسی مطرح شد پژوهشگران دو رشته در صورت مطالعه فرایند تغییرات اجتماعی گذشته، در التقاط‌گرایی اجتناب‌ناپذیری گره می‌خورند، حال آنکه مسئله تحقیق در پژوهش‌های جامعه‌شناسی تاریخی می‌بایست از جمیع جهات، روش‌های تحقیق رشته‌های مذکور را در بر گیرد.

برخی از روش‌های اساسی در تحقیقات جامعه‌شناسی تاریخی که در استفاده از آنها مورخان و جامعه‌شناسان به تفاهم رسیده و پایه نوعی مطالعات ترکیبی را بیان کرده‌اند عبارتند از: روش‌های مقایسه<sup>۱</sup>، مدل و انواع<sup>۲</sup>، روش‌های کمی<sup>۳</sup>، روش‌های جزئی‌نگر اجتماعی<sup>۴</sup> (برگ، ۱۳۸۱):

---

1. Comparison of methods  
 2. models and types  
 3. quantitative methods  
 4. Detailed methods of social



۳۹-۵۴). و داده‌های تاریخی که جزء روش‌های شناخت‌ورزی محققان و عوامل تولید نظریات مربوط به تغییرات اجتماعی‌اند.

در تقسیم‌بندی دیگری از روش‌های پژوهشی در جامعه‌شناسی تاریخی، این رویکرد را شامل سه رهیافت می‌دانند؛ رهیافت اول، الگوی عام<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. در این رهیافت، یک نظریه عام درباره جامعه و تاریخ برای اطلاق جهان‌شمول به مصادیق گوناگون تدوین می‌شود. «نظریه‌های عام» قائل به وجود قواعد عامی در بروز و ایجاد تغییر در جوامع، همیشه و همه‌جا هستند. کتاب تغییر اجتماعی در انقلاب صنعتی اثر نیل اسملسر از برجسته‌ترین نمونه‌های این رهیافت است. وی در این اثر نظریه کارکردگرایی ساختاری درباره تمایز تکاملی را مبنای مطالعه خود قرار داده است. رهیافت دوم قاعده‌مندی‌های علی<sup>۲</sup> نام دارد و به وجود یک زنجیره علی<sup>۳</sup> معین در هر مورد معین تاریخی بین زمینه‌ها یا عوامل و تغییرات قائل است. کتاب ریشه‌های اجتماعی دموکراسی و دیکتاتوری اثر برینگتون مور<sup>۴</sup> نمونه‌ای شاخص از این رهیافت است. رهیافت سوم الگوی تفسیری<sup>۵</sup> نام دارد.

جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری به تعیین‌کنندگی تفسیر کنشگران اجتماعی از امور در بروز و ایجاد تغییر تأکید دارد. در این الگو از مفاهیم معینی برای ارائه تفسیر معنادار از جریان‌های تاریخی استفاده می‌شود. واژه

<sup>۱</sup>. General pattern

<sup>۲</sup>. Causal regularities

<sup>۳</sup>. Causal chain

<sup>۴</sup>. Barrington Moore

<sup>۵</sup>. Interpretive paradigm



«معنادار» در اینجا به دو تعبیر به کار می‌رود یکی اینکه، به نیت‌های افراد و گروه‌ها در متن فرهنگ و زمینه تاریخی معینی که مطالعه می‌شود توجه می‌شود. دوم اینکه، موضوع برگزیده برای مطالعه تاریخی و انواع مباحث باید در زمان کنونی اهمیت سیاسی یا فرهنگی داشته باشند. به ویژه، مخاطب مورد نظر باید فراگیرتر از صرف محافل علمی باشد. برای نمونه بندیکس<sup>۱</sup> مفاهیمی چون ملت‌سازی، شهروندی، شاهان یا مردم را به کار گرفته و توجه را به پرسش‌هایی در مورد اقتدار سیاسی و نهادهای سیاسی گوناگون جلب کرده است. تامپسون<sup>۲</sup>، از سوی دیگر واژه طبقه را پدیداری تاریخی می‌شناسد که هم وام‌دار عامل انسانی است و هم وام‌دار شرایط (پارکر، ۱۳۸۵: ۸۶). براساس چشم‌انداز پژوهشی فوق، جامعه‌شناسی تاریخی نزدیکترین شعب جامعه‌شناسی با دانش تاریخ می‌باشد که در بررسی پدیده‌ها به اصل تعمیم روی می‌آورد و می‌کوشد با استفاده از داده‌های تاریخی و با یاری الگوی جامعه‌شناسی و با نوعی نگاه بین رشته‌ای می‌کوشد تا ساختارهای یک عرصه تاریخی در دوره‌ای نسبتاً طولانی مورد بررسی قرار دهد (فوران، ۱۳۷۸: ۱۰).

<sup>۱</sup>. Bndyks

<sup>۲</sup>. Thompson

## نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی تاریخی به عنوان بخشی از مطالعات بین رشته‌ای دارای عمر نسبتاً کوتاهی است. در این رویکرد تاریخ‌نگاری از نوشته‌های صرفاً سیاسی و جنگ و گریزها و به عبارتی از تاریخ‌نگاری طبقه‌الیت جامعه فاصله گرفته و لایه‌های و زوایای دیگر جامعه را نیز مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد. پژوهشهای جامعه‌شناسی تاریخی دارای دو بعداند: بعد تاریخی و بعد جامعه‌شناختی. در مطالعه تاریخ تلاش بر این است که اصل و جوهره‌ی پدیده، با بهره‌گیری از منابع و به همان شکل که رخ داده، روایت و بررسی شود. اما قصد مطالعات جامعه‌شناختی این است که تأثیر نیروی جامعه را در کنش‌های افراد مورد سنجش قرار دهد و سپس وقایع اجتماعی آینده را پیش‌بینی نماید. به عبارتی، جامعه‌شناسی به دنبال یافتن قاعده کلی رفتار انسانهاست تا به کمک آن توانایی پیش‌بینی و کنترل وقایع اجتماعی را بدست آورد. این رویکرد پژوهشی «میان رشته‌ای» برای محققان هر دو رشته تاریخ و جامعه‌شناسی و خصوصاً مورخان متذکر این نکته است که پژوهش‌های نوین تاریخی، به ویژه آن دسته از پژوهش‌ها که بر الگوی‌های تئوریک برگرفته از مطالعات جامعه‌شناسان مبتنی هستند، در زمینه‌ی ارائه تصویری کلیت‌بخش از ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در گذشته، از دید مفاهیم موجود در الگوی مطالعاتی، دستاوردهای مشخصی دارند، که اینگونه پژوهش‌ها را از تحقیقات صرفاً تاریخ‌نگارانه که معمولاً مورخان با تأکید بر سنت‌های تاریخ‌نگاری خویش انجام می‌-



دهند متمایز می‌کند. این رشته از تحقیقات زمانی که از ماهیت مطالعات بین رشته‌ای در روند پژوهش بهرمنند شوند، دستاوردهای خاص و مطمئنی در مباحث تئوریک و مسئله‌یابی‌های جدید، در فرایند تحقیق و پژوهش خواهند داشت. موضوع این رویکرد نوین پژوهشی «جامعه‌شناسی تاریخی» تغییر است.

تغییر و دگرگونی همیشه یکی از موضوعات محوری در مطالعات تاریخی بوده است. بنابراین پایه‌ی دستیافت نهایی پژوهشگران جامعه‌شناسی تاریخی، یافتن قوانین و قواعد حاکم بر تغییرات اجتماعی در گذشته می‌باشد. هدف اصلی این خواهد بود که گزارش‌هایی از روند تغییر جوامع در گذشته و حال ارائه نمایند به این امید که اینگونه تلاش‌ها بتوانند به ساخت یک مدل اصلاح شده کلی کمک نموده و رابطه حل نشده بین روایدها و ساخت‌ها، آشکار گردند. در واقع جامعه‌شناسی تاریخی یک معنا، علم «تغییر اجتماعی» است. جامعه‌شناسی تاریخی «جستجوی آن ساختارهای پنهانی است که برخی امیدهای انسان را بی‌ثمر می‌گذارند و برخی دیگر را به واقعیت مبدل می‌سازند». از دیگر علایق جامعه‌شناسی تاریخی کشف شرایط و پیامدهای اجتماعی تلاش‌هایی است که برای اعمال ارزش‌هایی چون آزادی، برابری و عدالت یا ممانعت از آنها به کار رفته است. شکست جنبش‌های مردمی یا پیروزی انقلاب‌ها، از موضوع‌هایی است که جامعه‌شناسی تاریخی معاصر بر آنها تأکید و توجه دارد.

## منابع

- اسمیت، دنیس (۱۳۸۶)، **برآمدن جامعه شناسی تاریخی**، ترجمه‌ی سید هاشم آقاجری، تهران: کویر.
- اسکاکیول، تدا (۱۳۸۸)، **بینش و روش در جامعه شناسی تاریخی**، ترجمه سید هاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.
- برگ، پیتر (۱۳۸۱)، **تاریخ و نظریه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بیات، کاوه و همکاران (۱۳۸۲)، **مورخان و تاریخ اجتماعی**، کتاب ماه تایخ و جغرافیا، شماره ۷۳، آبان ۱۳۸۲.
- پارکر، جان (۱۳۸۵)، **ساختار بندی**، ترجمه امیر عباس سعیدی پور، تهران: آشتیان.
- پالمر، ریچارد (۱۳۷۷)، **علم هرمنوتیک**، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.
- پناهی خیاوی، شهرام (۱۳۸۵)، **جامعه شناسی تاریخی (بررسی روش علمی در شناخت جامعه شناسی تاریخی با تکیه بر قلمرو موضوعی و مفهومی آن در مقایسه با رشته‌های علوم اجتماعی)**، فصل نامه علمی پژوهشی تاریخ، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۵.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۶)، **نظریه‌های جامعه شناسی**، تهران: سمت .
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۱)، **جامعه شناسی تاریخی موقعیت و عملکرد اقلیت‌های مذهبی در شهر اصفهان دوره‌ی صفوی (مطالعه موردی آرامنه جلفای اصفهان در عصر صفوی)**، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س اول، ش اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱.





روسک، جوزف و وارن، رولند (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهروز نبوی و احمد کریمی، نشریه موسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۰.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸.

صدیقی، ناصر (۱۳۸۹)، تاریخ جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناسی تاریخی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۰، آبان ۱۳۸۹.

فلاح توتکار، حجت (۱۳۸۷)، اوج‌گیری ققنوس (برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی نوشته دنیس اسمیت)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۲، تیر ۱۳۸۷.

منوچهری، عباس (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی تاریخی و دیالکتیک تجدد در ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.

فوران، جان (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.

Arams, Philips (1982), Historical sociology, Ithaca, cornell university press.

Eldern, stuart (2001), Mapping the present: Heidegger, Foucault and the project of spatial history, continuum new york.

Smith, Dennis (1991) the rise of historical sociology, polity press, Cmbridge.